فهرست

[اصول / حجیت خبر واحد 2](#_Toc179215285)

[پیشگفتار 2](#_Toc179215286)

[بحث اصلی 2](#_Toc179215287)

[پاسخ شاهد اول 3](#_Toc179215288)

[نکته تکمیلی 4](#_Toc179215289)

[حاصل بحث 5](#_Toc179215290)

[شاهد هفتم 6](#_Toc179215291)

[شاهد هشتم 6](#_Toc179215292)

[جواب شاهد هشتم 6](#_Toc179215293)

[مرحله دوم بحث 6](#_Toc179215294)

[اشکال 7](#_Toc179215295)

# موضوع: اصول / حجیت خبر واحد

# پیشگفتار

ملاحظه فرمودید که در چهارمین آیه‌ای که به آن استدلال شده است، جای مداقه و تأمل‌های اساسی بود و بر خلاف آنچه که از کلمات کثیری از اعلام استفاده می‌شود، اتفاقاً این آیه جای تأمل و توجه بیشتر دارد و شاید استدلال آن اقوا باشد نسبت به بعضی از آیات دیگر که مشهور است.

# بحث اصلی

در مرحله اول، سؤال اساسی که در آیه شریفه وجود دارد این است که این آیه یک مسئله را می‌گوید که آن مسئله روابط اجتماعی و سلوک در تعاملات با دیگران است که سلوک روان و آسان است که در ذوق کسی نمی‌زند و چیزی که وجه شرعی این طرف و آن طرف آن ندارد، تصدیق می‌کند تصدیق ظاهری و می‌گذرد، این فقط در آیه است؟ یا اینکه آیه افزون بر این قاعده، قاعده دیگری به عنوان اعتماد به مؤمنان از جمله در اقوالشان، راه هم افاده می‌کند؟ این بحث اصلی بود.

سیری که ما داشتیم این بود که برای آن احتمال تعدد قاعده در آیه و افاده دو قاعده در آیه، شواهدی ذکر کردیم. پنج شاهد ذکر کردیم و چهار شاهد از آن شواهد، درونی بود و یکی هم موثقه حریز و بعضی روایاتی بود که این آیه را بر مسئله تطبیق داده بود که شاید در روایات غیر از آن دو سه روایت، بشود روایات دیگری هم پیدا کرد. حتی در روایات ذیل معجم نور و در الوحی، باز هم چیزهای دیگر هست.

مع ذلک علی‌رغم این که این دو سایت هست و روایاتی که در کتب تفسیری البرهان و ثقلین و درالمنثور و امثال اینها وجود دارد نقل می‌شود در این نرم‌افزارها در عین حال برای روایات مرتبط با آیات هنوز هم نمی‌توان بر اینها بسنده کنیم. در عین حال فرد می‌خواهد کار فقهی انجام بدهد باید مداقه‌ای داشته باشد.

شاهد پنجم روایت حریز و یکی دو متن شیعه و سنی بود که یکی از ابن عباس بود که از حدیث خواندیم، به نظرم غیر از اینها باز می‌شود پیدا کرد.

غیر از اینها به نظرم جایی دیدم که امام تطبیق می‌دهد آیه **﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾** را بر اعتماد بر خبر کسی، ترتیب اثر دادن بر خبر کسی، نه صرف آداب و سلوک اجتماعی.

در نقطه مقابل آن نظر دیگر سه چهار وجه یا شاهد ذکر کردیم. این مسیری بود که تا اینجا طی کردیم.

مرور مطالب وحدت مضمون

یک مرور بر آن سه چهار وجهی که برای وحدت مضمون ذکر کردیم

یک نظر تعدد مضمون بود یعنی دو قاعده را استفاده کردن بود.

یک نظر وحدت مضمون و قاعده بود که فقط همان قاعده اجتماعی را می‌گوید.

برای این وحدت مضمون این مسائل را دیروز نقل کردیم؛

وحدت شأن نزول و وحدت سیاق است که برای این آیه یک شأن نزول ذکر شده است.

این واقعاً در حد مهم و قوی نیست که خیلی روی این تمرکز کرده‌اند و مقداری هم روی آن تأکید کرده‌اند که شأن نزول آیه این است.

در ذهن شریفتان هست که آن سه چهارتا که برای وحدت مضمون گفتیم می‌خواهیم مراجعه بکنیم و در آن مناقشه‌ای داشته باشیم.

۱- وحدت شأن نزول بود که در شأن نزول هیچ چیز راجع به اعتماد به خبر مؤمن نداریم آن که هست همان بحث یؤذون النبی، **﴿قُلْ أُذُنُ خَیْرٍ لَکُمْ﴾** است

# پاسخ شاهد اول

این است که شأن نزول که انحصاری نیست، اگر چیزی داشتیم که کل آیه معلوم است شأن نزولش این است و هر چه در آیه هست، در این شأن نزول وارد شده است، بله! در حالی چنین چیزی را در شأن نزول نمی‌بینیم، ضمن اینکه قرآن دلالات و دایره‌اش خیلی اوسع از شأن نزول است و آن سعه دلالات قرآن و احاطه قرآن به مسائل گوناگون در یک آیه، مستلزم این است که ما در یک چارچوب شأن نزول توقف نکنیم واقعاً شاهد خیلی قوی نیست، من تعجب می‌کنم بعضی از آقایان فرموده‌اند که این شأن نزول قرینه صارفه از این معناست، حتی اگر ظهور هم داشته باشیم این شأن نزول موجب می‌شود که ظهور تغییر پیدا بکند.

آن که باید به این جواب داد این است که شأن نزول قرینه قاطعه‌ای است برای اینکه باید جوری معنا کرد که مورد در داخل آن بماند، این قرینیت را ما قبول داریم.

اما یصدر للقرینیه را قبول نداریم، قرآن با توجه به سعه دلالات آن هیچ وقت و غالباً در چارچوب شأن نزول نمی‌ماند، خیلی فراتر از آن سیر می‌کند.

و لذا شأن نزول قرینیت منضمه‌ای دارد که گاهی ثابت است و گاهی هم یصدر للقرینیه باشد که جلوی ظهور را بگیرد اما در همان حدی که نباید کاری کرد که تفسیر به میان بیاوریم که شأن نزول در آن بماند.

اما اینکه در این شأن نزول آیه وارد شده است یک گوشه به این است و ده مطلب دیگر را هم می‌گیرد.

فرض این است که بگوییم **﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾**، یعنی تعارفی تصدیق می‌کند، لام هم نفع باشد، آن هم منافاتی با این ندارد، مؤمنین هم بگوییم یعنی مقر به ایمان، ولو منافق باشد، این خلاف ظاهر است.

ما می‌خواهیم بگوییم شأن نزولی که جواب گرفته است، حتماً منطبق بر شأن نزول است و آن می‌آید همه آیه را محصور در این می‌کند. واقعاً این لا یصلح للقرینیه.

کسی که با قرآن و روایات و شأن نزول آشنا باشد نباید این را احتمال هم بدهد.

همه این ظهورها را برداریم که شأن نزول داریم، شأن نزول را خیر لکم گرفت و تمام شد.

نسبت به نکته دومی هم که برای قول وحدت مضمون آمد و وحدت قاعده به آن هم مستند بود این بود که **﴿أُذُنُ خَیْرٍ لَکُمْ﴾**، یک ابهامی در آن هست که با آن رفع ابهام می‌شود.

جواب آن این است که این چه رفع ابهامی است که خود این هم گیر درست می‌کند از آن طرف **﴿أُذُنُ خَیْرٍ لَکُمْ﴾** مفهوم خیلی واضح جاافتاده‌ای دارد، اگر ادامه آیه هم نبود می‌فرمود: **﴿قُلْ أُذُنُ خَیْرٍ لَکُمْ﴾** اذن است ولی اذن خوب است، در این ابهامی به آن معنا نیست، معنا را می‌شود خوب فهمید ضمن اینکه در ادامه رفع ابهامی نکرد با توجه به این گیری که در **﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾** است که این‌جوری معنا بکنیم یا آن‌جوری؟ این را خیلی نمی‌شود توجه کرد.

اینها خیلی شواهد قوی نیست، سه چهار شاهدی که برای وحدت قاعده و وحدت مضمون ذکر شد همه قابل تردید است و جمع آن چیز قوی در ذهن نمی‌آورد.

شاهد سوم این بود که لف و نشر است که **﴿یُؤْمِنُ بِاللَّهِ﴾** مربوط به تصدیق قول خداست که می‌فرمود این نمامی می‌کند و آن هم **﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾**.

تا اینجا احتمال اول را ترجیح می‌دهیم. در تنظیمی که الان بحث کردیم، یعنی تعدد القاعدتین را در مقابل وحدة المضمون و وحدة القاعده.

# نکته تکمیلی

این است که مرحوم شیخ و برخی دیگر برای اینکه آیه را بر وحدت مضمون حمل بکنند و آیه را به قاعده اجتماعی و ارتباطی ربط بدهند نه حجیت، به آن روایاتی که در باب صدقه و کذبهم وارد شده است. از جمله روایت معتبره محمد بن فضیل است که مشهور است «شَهِدَ عِنْدَكَ خَمْسُونَ قَسَامَةً وَ قَالَ لَكَ قَوْلًا فَصَدِّقْهُ وَ كَذِّبْهُمْ لَا تُذِيعَنَّ عَلَيْه‏»[[1]](#footnote-1) فعل کذا و قال اخوک لم افعل، شبیه این، پنجاه نفر می‌گویند او این کار را انجام داده است، خودش می‌گوید نه انجام نداده‌ام، حضرت می‌فرماید فصدقه و کذبهم حرف خودش را بپذیر و آن‌ها را تکذیب بکن.

این را حمل بر جایی می‌کنند که حرف آن‌ها از نظر شرعی اثری بر آن مترتب نیست و خودش هم که می‌گوید این کار را نکردم، یک محملی دارد، یعنی واقعاً احتمال می‌دهیم که اینها اشتباه کرده باشند. دیدند با زنی راه می‌رود، بر اساس یک خطایی بوده است که این نامحرم است، واقعاً محرم او بوده است. آن روایات «فَصَدِّقْهُ وَ كَذِّبْهُمْ» را آورده‌اند و شاهدی گرفته‌اند و آیه هم اشاره به آن دارد.

از جمله روایت محمد بن فضیل است که معتبره هم هست که می‌فرماید خمسون قسامه این‌جور گفته‌اند و خودش می‌گوید این کار را نکرده‌ام، حضرت می‌فرماید صدقه و کذبهم، خود او که می‌گوید من خلاف انجام نداده‌ام و پنجاه نفر که خلافی را به او نسبت می‌دهند را تکذیب بکن یعنی ترتیب اثر نده. توجه نکن. او را متهم نکن، از حسن ظن خود دست برندار و باز حسن ظن داشته باش. در مقام روابط اجتماعی. این را شاهد گرفته‌اند که آیه همین را می‌گوید.

من به عکس این می‌خواهم عرض بکنم، می‌خواهم بگویم این روایاتی که می‌گوید صدقه و کذبهم، هیچ کدام به این آیه استشهاد نکرده‌اند، همه مستند شده است به آیه **﴿إِنَّ الَّذِینَ یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الْفَاحِشَةُ﴾**[[2]](#footnote-2)، همه روایتی که در صدقه و کذبهم است، این قاعده رابطه اجتماعی ربط داده شده است به آیه **﴿إِنَّ الَّذِینَ یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الْفَاحِشَةُ﴾**، هیچ کدام ندارد که یؤمن بالله و یؤمن للمؤمنین. به عکس آن در روایت حریز و سه چهار روایت دیگر هست که **﴿یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾** را تطبیق داده است به جایی که می‌گوید ترتیب اثر بده، کسی گفته است بی‌اعتنایی نکن. این آدم را مقداری بیدارتر می‌کند.

در حالی که این دو را مقایسه بکنید در چهار پنج روایت ترتیب اثر دادن قول دیگری با این آیه **﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾** ربط داده است و مصداق آن دانسته است، آن روایاتی که آن قاعده ارتباط اجتماعی می‌گوید، اصلاً اثری از این آیه در آن نیست، مطلقاً، بخصوص **﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾** هیچ چیزی در آن نیست در حالی که نزدیک‌تر بود تا اینکه **﴿یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الْفَاحِشَةُ﴾** باشد.

این یک شاهد است، اینجا تجمیع شواهدی حرکت می‌کنیم و الا اگر روایات را بخواهیم تمسک کنیم به عنوان دلیل، خود اینها خبر واحد است و دوری است، ما می‌گوییم این چهار پنج روایت، آن چهار پنج قرینه و از این طرف هم قرائن مقابل چندان قرائن قویی نیست. و اضف الی جمیع ذلک این شاهد ششم است. در واقع پنج شاهد برای تعدد قول تعدد قضیتین گفتیم، این شاهد ششم می‌شود که روایت صدقه و کذبهم هیچ کدام در روایات به آیه ۶۱ سوره توبه ربط نداده اند. در حالی که همان روایات را به آیه ربط داده‌اند ولی آیات دیگر، آیاتی که ظهور آن خیلی به اینجا نزدیک نیست. این یک شاهد است.

در**﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾** آن حمل بر صحت آنجا که اثری نیست، را می‌گیرد ولی تام نیست، تمام آن مفاد نیست. ممکن است کسی بگوید **﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾** در مورد مؤمنان شمولی دارد و آن درجه را می‌گیرد، در آنجا که اثری بر این مترتب نیست، نباید بسته شود، می‌گوید حسن ظن داشته باش.

به عبارت دیگر این **﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾** می‌شود برای حسن ظن هم دلیل شمرد، با بحث اینجا می‌گوییم جامعی دارد که آن را می‌گیرد نه اینکه معنایش کند، اگر یک قاعده‌ای باشد، وحدت مضمون باشد، مربوط به آن می‌شود اما اگر گفتیم دو قاعده، حتی روی این احتمال هم می‌گوییم جامع است، آن امر را هم می‌گیرد.

در واقع یک شاهد ششم بر آن پنج شاهد نظر تعدد قاعدتین افزود.

# حاصل بحث

اینکه حتماً احتمال تعدد قاعدتین اقوی و اظهر است منتهی مقداری تابع چیزهای شخصی است، اگر کسی او را قانع کرد و این ظهور را پذیرفت، دیگر مسئله تمام است، مطمئناً این بالاتر از وحدت مضمون است.

# شاهد هفتم

غیر از این شش شاهدی که گفتیم، به ویژه به این نکته هفتم که قرآن هر چه بیشتر باید غنای محتوایی آن را پذیرفت، قرآن یک کتاب جامعی است، این هم شاهدی است، غنا و شمول و سعه دلالی قرآن در جایی که راه دارد، آن اصل است. راه اگر دارد باید پذیرفت غیر از روایات است.

از ظهور **﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾** نمی‌شود دست برداشت مگر قرینه قوی باشد، به جای یصدق یُؤْمِنُ آورده است، بعد هم لِلْمُؤْمِنِینَ آورده است.

# شاهد هشتم

نکته دیگر بیفزایم و این را جزء شواهد وحدت مضمون به شمار می‌آورند که آیه دارد **﴿وَرَحْمَةٌ لِلَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ﴾** و رحمةٌ یعنی در ارتباطات تعامل خوبی می‌کند این هم شاهد دیگری برای آن.

## جواب شاهد هشتم

این است که وحدت شأن نزول را گرفته‌اید و می‌خواهید همه را با آن معنا بکنید، اصلاً **﴿وَرَحْمَةٌ لِلَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ﴾** یک گزاره جدیدی است و این رحمت یک رحمت عامه‌ای است که حتی این تصدیق ترتیب آثار را هم می‌گیرد، نوعی تجلیات رحمت است، با واو هم آمده است.

وَرَحْمَةٌ جمله مستأنفه‌ای است که خبر بعد از خبری است که به منزله علت برای همه قبلی‌هاست و بیان یک ویژگی در پیغمبر است. سر جمع قصه این است که پیغمبر رحمت است و این رحمت تجلیاتی مختلف هم دارد.

بنابراین ترجیح ما تعدد قضیتین و قاعدتین در آیه است که مؤید به هفت هشت شاهد است گرچه شواهدی در مقابل آن اقامه شد ولی به نظرم در آن حد نبود.

این مرحله اول بود که ببینیم در آیه مقوله اعتماد واقعی و ترتیب آثار واقعی بر قول دیگران دادن، مطرح هست یا مطرح نیست، به نظر ما می‌آید که مطرح است، **﴿یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾** به همین قاعده اشاره دارد و بی‌ارتباط با بحث حجیت و اعتبار و امثال اینها نیست و کاملاً مرتبط است.

این مرحله اول بود اما مسئله تمام نشد برای حجیت خبر واحد و باید مرحله دیگری را هم طی بکنیم.

# مرحله دوم بحث

این است که باید از آیه شریفه استظهار کرد که **﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾** اطلاقی دارد و حجیت تعبدیه را می‌گیرد، **﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾**، اعتماد می‌کند علی الاطلاق، بر اقوال اعتماد می‌کند، علی الاطلاق چه قطع پیدا بکند از قول مؤمن، چه اطمینان پیدا بکند، چه اینکه قطع و اطمینان شخصی نداشته باشد، باز می‌گوید **﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾**.

بعد از اینکه ایمان به معنی تصدیق گرفتیم، باید گفت این تصدیق عملی مقصود است، این تصدیق عملی فقط در جایی است که علم است یا اطمینان دارد؟ یا اینکه تصدیق تعبدی است، در هر صورت او را تصدیق می‌کند الا ما خرج بالدلیل.

ایمان او موجب شده است باوری در او پیدا بشود و به این مناسبت یُؤمن را آورده است اطلاق بر ترتیب آثار کرده است.

# اشکال

۱- اینکه این اطلاق دارد یا خیر؟ آخوند و جمعی گفته‌اند اطلاق ندارد که **﴿یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ﴾** یعنی اعتمادی است که همراه با اطمینان یا قطع است این چیزی است که در آیه آمده است و اطلاقی ندارد که شامل صور ظنیه بشود.

1. [الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج8، ص147.](http://lib.eshia.ir/11005/8/147/شَهِدَ) [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره نور، آیه ۱۹ [↑](#footnote-ref-2)